

بهزیستی به معنای بهترین شرایط زیستی از اهداف و مقاصد آموزه‌های وحیانی است. همه آموزه‌های آسمانی از آغاز آفرینش آدمی و قرار گرفتن حضرت آدم(ع) در بهشت خود، برای تبیین بهترین شیوه زیستن و فراهم آوردن همه عوامل و اسباب ایجاد آن بوده است.از این‌رو خداوند نخستین آموزه دستوری خویش را به شکل نهی از خوردن میوه درخت ممنوع که پیامدهای آشکارساز زشتی‌ها و ناتوانی‌های آن را داشت، صادر می‌کند و از وی و همسرش می‌خواهد به این درخت وسوسه‌انگیز برای دستیابی به امری موهوم چون جاودانگی و حکومت بسی‌پایان نزدیک نشوند تا در نتیجه خوردن از میوه آن گرفتار محیطی زیستی نامطلوب و دشوار گردند.

با این همه حضرت آدم(ع) و همسرش به سبب وسوسه‌های ابلیس از درخت ممنوع خورده و شرایط بدنی آنان به گونه‌ای تغییر کرد که دیگر شرایط بهشت آنان برای زیست ایشان مناسب نبود و ناچار به بیرون رفتن از آن محیط زیست تن در دادند.

پس از بیرون رفتن و یا رانده شدن از آن محیط زیست آرمانی که عصر طلایی بشر بود و هنوز در حافظه تاریخی بشر باقی مانده است، خداوند با فرو فرستاند آموزه‌های وحیانی از طریق پیامبران(ع) کوشید تا محیط زیست مناسب برای بشر در کره زمین و مهبط ایشان فراهم آورد.از این‌رو آموزه‌های وحیانی از آغاز تاکنون به هدف هدایت بشر به مناسب‌ترین و بهترین زیست فرورفته‌استه شده است. (بقره آیه ۳۸)

این مطلبی است که آیات بسیاری از قرآن بر آن دلالت دارد و بیانگر این نکته است که هدف از ارسال پیامبران و آموزه‌های وحیانی به شکل کتب و صحف و الواح تحقّق این شرایط فردی و جمعی برای بشر بوده است.

بر این اساس می‌توان گفت که بهزیست‌گرایی نه تنها از اهداف و مقاصد همه آموزه‌های وحیانی چون قرآن است بلکه از خواسته‌ها و آرمان‌های اساسی بشر بوده و هست. به این معنا که آدمی همواره در اندیشه آرمانی تحقّق شرایط مطلوب و مناسبی است که در آن به بهترین شیوه و شکل بتواند زیست کند.

اما آنچه مقصود و هدف این نوشتار است نوع خاصی از بهزیست‌گرایی یعنی بهزیست‌سازی است. به این معنا که انسان همان‌گونه که باید خود برای دستیابی به محیط زیستی آرمانی و مطلوب تلاش کند همچنین باید شرایطی را برای کسائی فراهم آورد که ناتوان از دست‌یابی به آن هستند تا بتوانند شرایط مطلوب زیستی را تجربه کنند. به سخن دیگر همان‌گونه که بهترین محیط‌زیست و بهترین نوع زیست برای آدمی مطلوب است و می‌کوشد تا در این دنیا آن را فراهم کند و در آخرت از آن بهره‌مند شود و هر کسی می‌کوشد تا به بهترین زیست دست یابد و این مسئله حق و خواسته مقبول آدمی است ولی بر انسان‌هاست که زمینه را برای دیگران نیز فراهم کنند.

بر این اساس بهزیست‌گرایی به شکل حق و خواسته هر انسانی مطرح می‌باشد ولی در کنار آن بهزیست‌خواهی برای دیگران و ایجاد بستتر و شرایط لازم برای دستیابی به آن نیز به عنوان تکلیف و وظیفه انسانی مطرح است. قرآن در آیه ۶۱ سوره هود به شکل کلی به این مطلب اشاره می‌کند که از وظایف و تکالیف بشر آن است که بهزیست‌گرایی را در دستور کار خویش قرار دهد و با یاری و همکاری یکدیگر زمین را چنان آبادان کنند که همگان بتوانند از زیست‌بهرتی برخوردار شوند و فرصت‌های برابر برای دستیابی به کمال مطلق را به دست آورند.البته آموزه‌های قرآنی در حوزه بهزیست‌سازی منحصر در آیات کلی نیست بلکه همان‌گونه که به بهزیست‌گرایی انسان و ماموریت وی برای تأمین آن در آیات

# بهزیست‌سازی از نگاه قرآن

**آیاتی که به مسئله احسان و نیکوکاری و عمل صالح اجتماعی توجه می‌دهد همه آنها ناظر به بهزیست‌سازی است. به این معنا که خداوند از کسانیکه از نعمت جسمی و جانی و مالی و روحی برخوردارند خواسته است تا به حکم وظیفه نسبت به دیگرانیکه نتوانند و از آن نعمت‌ها برخوردار نیستند کمک و یاری رسانند.**

از نظر انسان، زیست کامل، آن است که آدمی به صورت فردی و یا جمعی در شرایطی قرار گیرد که بتواند خود را به کمال مطلق برساند و از هر گونه ترس و حزنی در امان ماند. به این معنا که نه تن از مرگ داشته باشد و نه خوف از دست ابزارها و موادی که برای دستیابی به آرامش و آسایش مطلق بدان نیاز دارد.

آیات قرآن بر این نکته دلالت می‌کند که آدمی نه تنها به چنین خواسته‌ای گرایش داشته و کمال‌گرایی در زیست، مطلوب و مقصود بشر است بلکه وی را مامور و مکلف می‌شمارد که باید با تغییر در شرایط زیست محیطی زمین و آباد کردن آن، زمینه‌های ایجاد زیست محیط مطلوب برای بشر نو را نیز فراهم آورد. (هود آیه ۶۱)

برای ایجاد شرایط زیستی مفید برای دیگران تلاش کند.

با توجه به اینکه بهزیست‌گرایی امری طبیعی در آدمی است و هر کسی به طور فطری به این امر گرایش دارد و می‌کوشد تا همه علل عوامل و اسباب را برای دستیابی به بهترین زیست به کار گیرد و حتی به این هدف گاهی از حد و اندازه تجاوز کرده و حقوق دیگران را پایمال می‌کند نیازی نیست که در این نوشتار بدان بیش از این پرداخته شود و تنها به این نکته توجه داده می‌شود که اگر بهزیست‌گرایی شخصی امری ذاتی و طبیعی است، در صورتی می‌تواند سازنده و مفید باشد که در چارچوب

**مسئله بهزیست‌سازی از نظر قرآن چنان اهمیت دارد که از مومنان خواسته شده که نسبت به اهل ذمه و اقلیت‌های دینی و بردگان و کنیزان و حتی فراتر از انسان‌ها درباره درختان و حیوانات و دیگر موجودات هستی نیز رعایت شود.**

کمک‌های مادی و معنوی به دیگری سخنی به میان می‌آید. آیاتی که به مسئله احسان و نیکوکاری و عمل صالح اجتماعی توجه می‌دهد همه آن آیات ناظر به بهزیست‌سازی است. به این معنا که خداوند از کسانیکه از نعمت جسمی و جانی و مالی و روحی برخوردارند خواسته است تا به حکم وظیفه نسبت به دیگرانیکه نتوانند و از آن نعمت‌ها برخوردار نیستند کمک و باری رسانند.

از اینجاست که برای ناتوانان جسمی و روانی و مالی حقوقی ثابت می‌شود که در آیات قرآن بدان پرداخته شده است. از جمله



نرگس دوست‌محمدی

این حقوق حق مالی است که در آیاتی چند به عنوان حق سالل از آن یاد شده است. آیات ۲۶ سوره اسراء و نیز ۱۹ سوره ذاریات و آیات ۲۴ و ۲۵ سوره معارج، برای ایجاد

شرایط بهزیست مناسب و مطلوب برای دیگران، از حق نیازمندان و سالنان یاد می‌کند و بر مومنان فرض می‌شمارد تا بخشی از مال

جای تخریب محیط زیست و نابودی و فساد و دور از هر گونه تمدنی و تجاوزی انجام شود؛ زیرا

در صورت تجاوزگری و خروج از حوزه اعتدال و میانه‌روی، همان‌گونه که ظلم و ستم به دیگری است و فرصت تکاملی و زیست خوب را از او

سلب می‌کند، بلکه ظلم به نفس نیز شمرده می‌شود؛ چون راه رشد و تکامل را بر شخص نیز می‌بندد. از این رو خداوند همواره در آیات

قرآن بر خودسازی و تزکیه نفس و حرکت بر اعتدال و قسط و عدالت و اقتصاد (میانه‌روی) تأکید می‌کند و از مردمان می‌خواهد تا در مسیر کمالی خویش حقوق دیگران را پایمال نسازند.

بهزیست‌سازی به عنوان هدف از آفرینش انسان و نیز تکلیف و ماموریت وی در آموزه‌های قرآنی مطرح شده است. آدمی به‌طور طبیعی و فطری به سوی محیط زیست مطلوب گرایش دارد و می‌کوشد تا شرایط زیستی خویش را به گونه‌ای تغییر دهد تا بتواند به بهترین شکل از همه امکانات برای دستیابی به کمال بهره برد. از سوی دیگر ماموریت و تکلیف بشر است که به گونه‌ای عمل کند تا بهترین محیط زیست برای خود و دیگران فراهم آید. پس به

## شبهه‌ها و پاسخ‌ها

به دلیل عادت و انس با عالم ماده است که وقتی مفاهیم ماورای مادی را می‌شنویم نمی‌توانیم تصوری روشن از آنها نداشته باشیم. این‌رو دچار حیرت می‌شویم. استاد مطهری می‌فرماید: «اشکال مسائل ماوراءالطبیعی در مرحله تصور است نه در مرحله تصدیق… برخلاف سایر علوم»<sup>(۱)</sup>.

»

زبانی که با آن سخنی می‌گوییم زبان بشری است و بیشتر برای مفاهیم مادی ساخته شده و گنجایش بیان ماهیت مفاهیم قدسی را ندارد و از طرفی خدا وقتی می‌خواهد با انسان سخن بگوید چاره‌ای نیست جز اینکه حقایق قدسی را تنزّل دهد و در قالب همین الفاظ بگنجاند تا مردم فهم انسان‌ها شود، چنان‌که می‌فرماید:

«به درستی که قرآن از جانب رب‌العالمین فرود آمده… و به زبان عربی فصیح می‌باشد.»<sup>(۲)</sup> اما گنجاندن معانی فوق‌طبیعی در قالب الفاظ رایج، دشوار است. استاد مطهری در همین زمینه می‌فرماید:

«محدود بودن مفاهیم الفاظ و کلمات از یک طرف و انس آذهان به مفاهیم حسی و مادی از طرف دیگر،

است که شرایط زیستی را به‌گونه‌ای فراهم کند که افرادی چون مهاجران نیز بتوانند از زیست مناسب و مطلوب برخوردار گردند.»(نفال آیه ۷۵ و نیز حشر آیه ۷ و ۸) تأمین حقوق مستضعفان و ناتوانان نه‌تنها از وظیفه مومنان دانسته شده است بلکه یکی از اهداف مهم جهاد نیز دستیابی مستضعفان به حق زیست مطلوب تلقی شده است. آیه ۲۵ سوره نساء با تأکید بر اهمیت جهاد بر ضد ستمگرانی که برخی از مردمان را به استضعاف کشانده‌اند می‌کوشد تا شرایط زیست مناسب و مطلوب را برای آنان فراهم کند.

از آنجا‌که زنان و کودکان در معرض خطر بیشتری هستند و حقوق ایشان از سوی بسیاری زیر پا گذاشته می‌شود و در حقیقت از دستیابی به شرایط زیست مطلوب ناتوان هستند خداونداز مومنان خواسته است تا توجه ویژه‌ای به این دو قشر شود.(نساء آیه ۱۲۷) بر این اساس اگر سازمان حمایتی خاصی برای زنان و کودکان و سایروردگان ایجاد شود به معنای تبعیض جنسیتی و مانند آن نیست؛ زیرا به خاطر دور بودن آنان از بهزیست مناسب و مطلوب است که خداوند توجه ویژه به آنها را مجاز دانسته است.

آیات ۲۳۳ سوره بقره و ۹ و ۷۵ و ۱۲۷ سوره نساء به حقوق کودکان برای دستیابی به بهزیست مناسب و مطلوب و آیات ۲۳۳ سوره بقره و ۶ سوره طلاق و ۱۴ سوره لقمان و ۳۵ سوره آل‌عمران و ۲۲۸ سوره بقره و ۳ سوره نساء به حقوق زنان توجه می‌دهد.

در آیات قرآن و نیز روایات اسلامی معتبر بر احترام و تکریم یتیمان تأکید شده و حتی آمده که بهترین خانه، آن است که در در آن یتیم مکرّم باشد و با او به بزرگواری برخورد کنند. مسئله بهزیست‌سازی از نظر قرآن چنان اهمیت دارد که از مومنان خواسته شده که نسبت به اهل ذمه و اقلیت‌های دینی (مانده ۵ و نیز حشر آیه ۲ و ۴ و آل‌عمران آیه ۱۱۰ و ۱۱۲ و توبه آیه ۲۹) و بردگان و کنیزان (نساء آیه ۲۵ و ۳۶ و توبه آیه ۶۰) و حتی فراتر از انسان‌ها درباره درختان و حیوانات و دیگر موجودات هستی نیز رعایت شود. (فصلت آیه ۹ و ۱۰ و هود آیه ۶ و عنکبوت آیه ۶۰)

به هر حال آموزه‌های قرآنی از جامعیت خاصی برخوردار است و از مومنان و نیز دولت اسلامی‌خواسته است که افزون بر بهزیست‌گرایی نسبت به خود، در اندیشه بهزیست‌سازی مناسب و مطلوب برای دیگران و به ویژه اقشار مستضعف و ناتوان جامعه باشند و با ایجاد سازمان‌ها و تشکیلات خاصی آنان را

**آموزه‌های قرآنی ناظر به خودسازی و دیگر‌سازی است و خودسازی بی‌دیگر سازی را امری ناقص و ناتمام برمی‌شمارد. از این رو در سوره عصر و دیگر سوره‌ها و آیات رهایی از خسران را زمانی ممکن و نشدنی می‌داند که شخص به وجه فدری و اجتماعی توجه داشته باشد و هم خود را در شرایط زیستی مطلوب قرار دهد و هم برای ایجاد شرایط زیستی مفید برای دیگران تلاش کند.**

در شرایطی قرار دهند که بتوانند از فرصت‌های برابر برای دستیابی به کمال و آسایش و آرامش بهره گیرند. سخنی در این‌باره بسیار است و آیات بسیاری را می‌توان در حوزه مسئولیت‌بین یاد کرد ولی برای رعایت اختصار به همین مقدار بسنده می‌شود.

تبیین و تفسیر مدرکات که از ناحیه زبان و الفاظ حاصل می‌شود. امام خمینی درباره دشواری تبیین آنچه که در اینبار مشاهده کرده لکن زبانش عقده (گره) دارد و مردم هم کر هستند.»<sup>(۳)</sup>

چالش پیامبر اکرم(ص) از همه بیشتر بود برای اینکه آنچه یافته بود و آنچه از قرآن در قلب او نازل شده بود، آن را برای چه کسانی بیان کند؛ مگر برای آن کسی که رسول‌الله او را به مقام ولایت منصوب کرده یعنی علی(ع).

البته عواملی همچون هوای نفسانی، سست‌های غلب نیاکان و استبداد اندیشه و تعصب در سخت شدن باور به مسائل ماوراءالطبیعی برای انسان مؤثرند.

پس بر ماست که طریقه معرفت خدا و دیگر حقایق قدسی را پیدا کرده و زبانی را که او با ما سخن گفته بشناسیم، به امید آنکه با دستیابی به اعتقادات برحق، باب تسبیح و تقدیس حق، آن‌گونه که شایسته مقام عزّ ربوبی است را به‌جا آوریم.<sup>(۴)</sup>

۱. طباطبایی، محمدحسین، ترجمه المعزین فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۵.
۲. ترجمه عبارت عربی: خدا عالم را آفرید و چنان کرد یا دانست یا خواست یا می‌خواهد…
۳. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۶، ص ۸۹۹.
۴. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۶، ص ۸۹۸.
۵. حسن‌زاده آملی، دروس معرفت نفس، درس ۹۲، ص ۳۴۹.
۶. فرهنگتک کتاب و سنت، محمد مجتهد شبستری، ص ۳۵.
۷. موسوی خمینی، روح‌الله، نبوت از دیدگاه امام خمینی، ص ۴۲۳.
۸. مبانی معرفت‌شناسی مفاهیم ماورای طبیعی دینی، علی‌الله بادشانی، فصلنامه نغمه مفید، شماره ۱۰.

صفحه ۷
سه‌شنبه ۱۴ آذر ۱۴۰۲
۱۴ جمادی‌الاول ۱۴۴۵ - شماره ۲۳۴۶۲

## چراغ راه

## چرایی عدم تاثیر گذاری موعظه دیگران بر انسان

**قال الامام الباقر(ع): «من لم يجعل الله له من نفسه واعظا، فان موعظ الناس لن تغنی عنه شینا».**

امام باقر(ع) فرمود: هر کسی که خداوند برای او در درونش واعظی از خودش برای خودش قرار ندهد، موعظه دیگران در او اثر نمی‌کند.<sup>(۱)</sup>

۱- تحفالعقول، ص ۲۹۴

## حکایت خوبان

## ارکان سعادت‌مندی در دنیا و آخرت

پیامبر گرامی اسلام(ص) فرمود: به هر کس پنج چیز یاد داده شود دیگر عذری در ترک کار آخرت ندارد:
۱- زن شایسته‌ای که او را در کار دنیا و آخرتش کمک رساند
۲- پسران نیک (و فرمانبردار)
۳- داشتن شغل در شهر خود
۴- اخلاق خوشی که به سبب آن با مردم مدارا (و خوش رفتاری) کند
۵- دوست داشتن خاندان من (حب اهل بیت(ع))<sup>(۲)</sup>

۱- بحرالانوار، ج ۱، ص ۲۳۸، ص ۴۰

## پرسش و پاسخ

## پاسخ شبهه نبوغ ذاتی پیامبر(ص)

پرسش:
آیا می‌توان پیامبر گرامی اسلام(ص) را نابغی‌ای دانست که علی‌رغم‌امی و درس ناخوانده بودن، استعداد نبوغ ذاتی داشتندو تجارب پرفراز و نشیب زندگی ایشان، ملاقات با عالمان و حکیمان و آشنایی با تعالیم کتاب‌های آسمانی دیگر موجب شد تا آن حضرت آموزه‌های قرآن کریم را برای مردم زمان خود به ارمغان بیاورند؟!
پاسخ:

هدف اصلی شبهه‌کنندگان این است که قرآن کریم را به عنوان معجزه جاوید و وحیانی پیامبر(ص) ندانسته و آن را به مثابه یک دستاورد ویژه بشری که از یک نابغه زمانه تراوش کرده به مخاطبین خود القا کنند! آنان معتمدن پیامبر اکرم(ص) اگرچه امی و درس ناخوانده بوده و خواندن و نوشتن نیز نمی‌دانست، اما استعداد والا، نبوغ ذاتی، هوش سرشار و تجارب زندگی پرفراز و نشیب او در طول چهل سال، ملاقات با عالمان، حکیمان، شاعران و تاجران و همچنین آشنایی با تعالیم تورات و انجیل و کتاب‌های آسمانی‌دش و معرفی‌های فراوان حضرت به ارمغان آورد که در قالب قرآن متجلی گشت بنابراین قرآن یک کتاب آسمانی نیست، بلکه یک دستاورد ویژه و منحصر به فرد بشری است که از یک نابغه زمانه بروز و ظهور پیدا کرده است!

**پاسخ شبهه**

۱- براساس این نظریه پیامبر(ص) به نبوغ ذاتی خود آگاهند یا بی‌خبرند؛ در هر دو صورت، این نظریه با اشکال‌های متعددی روبه‌رو بوده و ابطال می‌شود. با فرض آگاهی از نبوغ، پیامبر(ص) به جای آنکه تعالیم وحی را از نابغه‌هوش سرشارش خود ببیند، آن را به خدا به دروغ می‌بندد و نعوذالله جامعه را با دروغ و فریب دعوت به صداقت و عبادت خدا می‌کند؟! آیا این فرض معقولی است؟ در فرض دوم یعنی بی‌خبری پیامبر(ص) از نبوغ خود، باز هم به نتایج غیرمعقولی خواهیم رسید. چون در این فرض باید گفت: نعوذالله پیامبر(ص) در عمر ۳۲ ساله رسالت خود مانند افراد بیمار روحی دلما دچار توهم شده، و وحی بیرونی را به جای نبوغ درونی خود می‌دیدند و توهمات خود را به خدا نسبت می‌دادند. این در حالی است که خداوند در قرآن می‌فرماید: اگر پیامبر(ص) دروغی را بر ما بپندد، ما او را با قدرت می‌گیریم(مواخذه می‌کنیم). سپس رگ گردنش را قطع می‌کردیم. (الحاقه-۴۵-۴۴)

۲- نبوغ ذاتی و هوش سرشار در محیط‌های علمی و ستاره‌های دانش شگرفی‌ای می‌شود، نه در محیط عصر جاهلی که از کمکت و معرفت و علوم شگرفی نبود. اگر این بستتر و محیط آماده برای شکوفایی چنین نبوغ و هوشی بود، او چرا تنها یک نفر آن هم پس از قرن‌ها در آن محیط ظهور کرد. ثانیاً چرا مردم آن روز پیامبر(ص) را به ساحر(ص- ۴) و کاهن(الحاقه- ۴۲) و مجنون(الفلم- ۵۱) متهم می‌کردند و نمی‌گفتند: وی از نبوغ خود و از دانش و تجربیات ما بهره گرفته است، با اینکه هر نوع آتپهایی را که در پندارشان بود مطرح می‌کردند، اما به واقعیتی به نام نبوغ حضرت و هوش سرشار ایشان اشاره‌ای نمی‌کردند!

۳- چه کسی می‌پذیرد، فردی نابغه‌ا اما امی و درس ناخوانده، در چنان محیطی که از علوم و فنون خبری نیست، کتبی فراهم آورد که مشتمل بر علوم الهی، معارف والای توحیدی، احوال‌مبدأ، معاد، ارزشاد به مکارم اخلاقی، فنون حکمت نظری و عملی، مصالح دینی و دنیوی باشد و از غیب و شهود سخن بگوید؟! اساساً استعداد و نبوغ ذاتی در برخی از رشته‌های هنری بدون معلم و استاد ممکن است شکوفا شود و شاعرانی بیافریند، اما در رشته‌های علمی و معرفی‌های هرگز چنین نیست؟!

۴- کدام‌یک از این چهره‌های نابغه در دنیا و نیز چهره‌های ماندگار ادعایی توستند! بدون خواندن و نوشتن و تلمع آکسائی در ادعای گوناگون معرفتی، اخلاقی، اعتقادی و غیره از درون خود بچوبند و مجموعه‌ای از معارف و علوم متنوع، زرف و جامع همانند قرآن را فراهم آورند؟

۵- کدام عالم و حکیم در محیط مکه که پیامبر(ص) چهل سال از عمر قبل از بعثت خود را در آنجا سپری کرده وجود داشته تا پیامبر(ص) از او علم و دانش و تجربه آموخته باشد؟ یکی از پنهانهای کافران همین بود که می‌گفتند: پیامبر(ص) امی و معارف را از آسانی غیرعرب فرا می‌گردد که قرآن این آتپهار را رد می‌کند(التحل- ۱۰۳)

۶- علوم و معارف تورات و انجیل همانند معرفت قرآن نیست، چرا که آنچه از کتاب‌های آسمانی گذشته به ما رسیده تحریف شده و آمیخته با خرافات است. بنابراین قرآن کریم نمی‌تواند الهام گرفته از کتاب‌های تحریف شده باشد.

## سلوک عارفانه

## راه‌های دعوت و هدایت دیگران

آیه ۱۲۵ سوره نحل سه وسیله (راهبرد) مختلف برای دعوت و هدایت مردم ذکر کرده است:
۱- مردم را به راه پروردگارت به وسیله حکمت بخوان.
کلمه رب هر جا که ذکر می‌شود عنایتی است به معنی تربیت. حکمت یعنی سخن متفن و محکم که قابل خدشه و تشکیک نیست، مفسرین گفته‌اند: دعوت کردن به وسیله حکمت و برهان و دلیل عقلی و عملی برای یک دسته خاص است که استعداد آن را دارند.
۲- با موعظه خوب و بد و اندرزهای دلپسند
۳- با فرد مجادله‌گر تو هم مجادله کن اما حق‌گشی و دروغ و… به کار نبر. <sup>(۱)</sup>

۱- تربیت و ارشاد اسلامی، شهید مرتضی مطهری(ره)، بیشت مطهر، ج ۱۳، ص ۲۴۹

**صفحه معارف روز‌های: شنبه، یک‌شنبه و سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود**
**تلفن‌های مستقیم: ۰۲۳۹۴۱۹۹۱ - ۰۲۳۲۱۰۲۲۱۱**
**Maarefkayhan@Kayhan.ir**